

فهرست

سرخن

آسیب‌شناسی مقاله‌نویسی، چاپ، تجدید چاپ، نشر و توزیع کتاب (۲۵)..... ۳-۴

جستار

حکم آستانه شیخ ابواسحاق کازرونی (۸۲۶ق) / عمادالدین شیخ‌الحکامی ۵-۹

کریم خراسان کیست؟ / سید علی میرافضلی ۱۰-۱۱

زندگی‌نامه منظوم عبدالقادر مراغی به قلم خودش؛ معرفی یک سند، همراه با یادداشتی مقدماتی /

علی فردوسی ۱۲-۱۷

گزارش برگدال از کشف و استرداد نسخه‌های خطی مسروقه کتابخانه سلطنتی / محمدصادق

میرزا ابوالقاسمی ۱۸-۲۲

کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده کاغذ ابری / علی صفری آق‌قلعه ۲۳-۳۶

حذف حرف عطف و یکی از ساخت‌های نامأنوس دستوری در شعر کهن / مسعود راستی‌پور ۳۷-۴۱

شاهنامه فردوسی در بافت عصر غزنوی / آ. سی. اس. بیگاک؛ ترجمه: حمیدرضا حکیمی ۴۲-۵۶

فارسی یهودی کهن در میانه فارسی میانه و فارسی دری کهن؛ بازآزمایی یک فرضیه مشهور / لودویگ پاول؛

ترجمه: ستایش دشتی ۵۷-۶۳

کاتب نسبت خرقه شاه‌نعمت‌الله ولی در المشیخه‌خاندان حثوثی یزدی / محمدرضا ابوبی مهریزی ۶۴-۶۸

برگی از تاریخ (۲)؛ معرفی نامه‌ای از حسنعلی خان گروسی (امیرنظام) / محمدجواد جدی ۶۹-۷۱

پرده ماده یا پرده یاده؟ / یاسر دالوند ۷۲-۷۳

ثبت کتیبه‌های حکومتی فرهادمیرزا معتمدالدوله در ولایت کردستان / جواد ددهجانی ۷۴-۷۹

تیتی و میتی / ایمان منسوب بصری، حسن زیاری ۸۰

چهارپاره / علی صفری آق‌قلعه ۸۱-۹۴

طاق گزا؛ جای‌نامی در خسرو و شیرین نظامی / علی کریم‌زاده ۹۵-۹۶

نقد و بررسی

بررسی انتقادی تصحیح کفایة الطب حبیبش تغلیسی / عرفان‌جوینة بهروز ۹۷-۱۱۷

چند انتقاد واجب از فصل دوم کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی / سیداحمدرضا قائم‌مقامی ۱۱۸-۱۲۲

باز چاپ پرتوستان یا مصداقی برای خورشید به گل اندودن / محمدابراهیم ایرج‌پور ۱۲۳-۱۳۳

نگاهی دوباره به تصحیح خلاصه‌الاشعار و زیده‌الافکار (بخش شیراز و نواحی آن) / مرتضی موسوی ... ۱۳۴-۱۴۱

ملاحظات در فهارس جدید کتابخانه ملی ایران / مصطفی درابنی ۱۴۲-۱۵۳

توضیحاتی درباره دیوان منوچهری به تصحیح سعید شیری و بازنگری در تصحیح برخی ابیات

منوچهری / راهبه آبدان ۱۵۴-۱۶۶

چاپی نه در خور متن از متنی نه در خور چاپ! / علی شاپوران ۱۶۷-۱۷۴

از کشفیات در اشعار کسایی تا سرقات از یافته‌های ریاحی! / محسن شریفی ضحی ۱۷۵-۱۸۰

تکمله‌ای بر مقاله «کهن‌ترین مکتوب تاریخ‌دار فارسی» / سلمان ساکت ۱۸۱-۱۸۲

تصحیح و بازخوانی عباراتی از جواهرنامه نظامی / اکبر حیدریان ۱۸۳-۱۸۶

فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه و مرکز اطلاعات آکادمی علوم مجارستان / مزده محمدی ۱۸۷-۱۹۰

پژوهش‌هایی در باب تحقیق

ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۳) / سیداحمدرضا قائم‌مقامی ۱۹۱-۱۹۸

ایران در متون و منابع عثمانی (۱۷)

زندگی و آثار خورشیدپاشا / نصرالله صالحی ۱۹۹-۲۰۱

درباره نوشته‌های شمشین

درباره «ولادت خواجه به روایت خواجه» / لیلی وهرام ۲۰۲-۲۰۷

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
مجلس علمیه عالی قم
مؤسسه تخصصی مطالعات اسلامی
مؤسسه تخصصی مطالعات اسلامی



۷۸ - ۷۹

فصلنامه تخصصی اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و
تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی
دوره سوم، سال دوم، شماره یکم و دوم
بهار - تابستان ۱۳۹۶ [انتشار: زمستان ۱۳۹۷]

صاحب امتیاز:

مرکز پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ

نقره‌آبی

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و
ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir

gozarah@mirasmaktoob.ir

بها: ۱۵۰,۰۰۰ ریال

روی جلد: انجامه دستنویسی از ترجیع‌بند جامی (نسخه
W651 موزه هنری والترز، نستعلیق ممتاز محمدزمان التبریزی،
مورخ ۹۹۸ هجری)

تصویر خط بسمله

از نسخه کتابخانه John Rylands

هدف از این مقاله دو چیز است: نخست آنکه بعضی از نتایج کار خود دربارهٔ دستور زبان فارسی یهودی تا به اینجا را عرضه کنم؛ دوم آنکه با استفاده از این نتایج، این فرضیهٔ مشهور را که «فارسی میانه از نظر دستور زبان و واژگان در حکم مرحله‌ای میانجی بین فارسی میانه و فارسی نو است» بسنجیم. این فرضیه به این معناست که فارسی یهودی قرن یازدهم میلادی نه تنها میان فارسی میانه قرن هفتم و فارسی کلاسیک قرن چهاردهم میلادی قرار دارد - مسأله‌ای که چندان شگفت‌انگیز هم نیست -، بلکه میانجی فارسی میانه و فارسی دری کهن نیز هست:

فارسی میانه (قرن ۳-۷ م) ← فارسی یهودی (قرن ۱۱/۱۲ م) ← فارسی دری کهن (قرن ۱۱/۱۲ م) ← فارسی کلاسیک (قرن ۱۴ م)

فارسی یهودی تنها به لحاظ زمانی بین فارسی میانه و فارسی دری کهن قرار نگرفته است. لازار^۳ نشان داده که میانجی بودن فارسی یهودی (بین فارسی میانه و فارسی دری کهن) بایستی نه تنها به لحاظ تاریخی، بلکه از دید گویش‌شناختی هم بررسی شود؛ به این معنا که فارسی دری کهن در وهلهٔ اول در شمال شرقی ایران به وجود آمده، در حالی که فارسی یهودی یکی از دنباله‌های تقریباً مستقیم فارسی میانه است که در جنوب غربی ایران بدان تکلم می‌شده است:

جنوب غرب ← فارسی میانه ← فارسی یهودی ← ...
شمال شرق ← فارسی میانه ← فارسی دری کهن ← فارسی کلاسیک (← فارسی معاصر)

شروع دورهٔ کلاسیک زبان فارسی (قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی/ هفتم و هشتم هجری به بعد) برابر است با شروع از دست رفتن خصوصیات زبانی نوشته‌های فارسی یهودیان. آن دسته از یهودیان ایرانی که فارسی نوشتن را پس از قرن چهاردهم میلادی هم ادامه دادند (مانند شاهین^۴)، نهایتاً آن صورت ویژه

3. LAZARD, G. "Le Judéo-Persan ancien entre le Pehlevi et le Persan". *Transition Periods in Iranian History*. Studia Iranica, Cahier 5, Louvain, 1987: pp. 167-76.

۴. شاهین شیرازی، از اولین و بزرگ‌ترین شاعران یهودی ایرانی فارسی‌سرا در قرن هشتم هجری است. مختصری از شرح حال او زیر مدخل SHĀHĪN در دانشنامهٔ جودائیکا (*Encyclopaedia Judaica*) در دسترس است و ویلهلم باخر کتاب مفصلی در باب او و عمرانی، از دیگر شاعران فارسی-یهودی به رشتهٔ تحریر درآورده است:

BACHER, Wilhelm (1907-1908). *Zwei jüdisch-persische Dichter Schahin und Imrani*. Strassburg: Trübner. (م)

فارسی یهودی کهن در میانه فارسی میانه و فارسی دری کهن بازآزمایی یک فرضیهٔ مشهور*

لودویگ پاول*

ترجمه: ستایش دشتی
Setayesh.dashti96@gmail.com

مطالعهٔ فارسی یهودی کهن^۱، یعنی متون فارسی نوشته‌شده به خط عبری به دست یهودیان بین سده‌های دهم تا سیزدهم میلادی/ چهارم تا هفتم هجری، بیش از صد سال سابقه دارد و در مطالعهٔ تاریخ زبان فارسی تأثیر عمده دارد. متن‌های فارسی یهودی متعددی تا به امروز چاپ شده است و مقاله‌های بسیاری در باب بعضی مسائل منفرد تاریخی و دستوری آن نوشته شده، اما تا به حال توصیف دستوری جامعی، یا چیزی شبیه به آن، برای فارسی یهودی کهن نوشته نشده است. اخیراً من نخستین قدم‌ها را برای نوشتن چنین دستور زبانی برداشته‌ام^۲.

* این مقاله ترجمه‌ای است از:

PAUL, Ludwig (2003). "Early Judeo-Persian between Middle and New Persian – Re-Examining a Well-Known Hypothesis". *Iran-Judaica* V: pp. 96-104.

دکتر احمدرضا قائم‌مقامی، استاد دانشمند دانشگاه تهران، از سر لطف این ترجمه را از نظر گذرانیدند و نکته‌های متعددی را گوشزد کردند. از ایشان بی‌اندازه سپاسگزارم. (م)

* بخش تاریخ و فرهنگ خاورمیانه، انستیتو مطالعات آسیا و آفریقا، دانشکدهٔ علوم انسانی، دانشگاه هامبورگ، هامبورگ، آلمان.

ludwig.paul@uni-hamburg.de

۱. در این ترجمه «فارسی یهودی» برابر EJP: Early Judeo-Persian است و «فارسی دری کهن» برابر ENP: Early New Persian. (م)

۲. به‌همراه استاد شائول شاکد، در یک طرح تحقیقاتی مشترک به‌نام «اسناد فارسی یهودی کهن از جنبهٔ قاهره». [نویسنده در سال ۱۳۰۳ کتابی در باب دستور زبان فارسی یهودی منتشر کرده است:

PAUL, L. (2013). *A grammar of early Judaeo-Persian*. Wiesbaden: Reichert Verlag. [م]

فارسی یهودی، در قیاس با فارسی دری کهن، از این قرارند:^۴

فارسی یهودی	فارسی دری کهن
حرف جمع	-ihā -hā
پسوند مصدرساز	-išn -iš
ساخت مجهول با	-ih-
حرف اضافه	به / u
تمایز بین حروف اضافه	bē / pad (تنها با وجود دارد)
کسره اضافه به عنوان موصول	-

از آنجا که تمام مشخصه‌های فارسی یهودی در فارسی میانه هم وجود دارد، ولی در فارسی دری کهن، مگر چند نمونه انگشت‌شمار، یافت نمی‌شود، این فهرست نشان می‌دهد که فارسی یهودی مسلماً میان فارسی میانه و فارسی دری کهن قرار دارد. با توجه به اینکه فارسی یهودی و فارسی دری کهن تقریباً به صورت همزمان زبان گفتار مردم بوده‌اند، این نتیجه‌گیری به این معناست که فارسی یهودی در باب این ویژگی‌ها محافظه‌کارانه‌تر عمل کرده است. اکنون به برخی از مشخصه‌های یادشده نگاهی دقیق‌تر می‌اندازیم.

نشانه معمول جمع در فارسی یهودی *-ihā*، معادل -ها در فارسی دری کهن است، اگرچه چند مورد معدود کاربرد *-ihā* در فارسی دری کهن نیز پیدا می‌شود.^۵ این هر دو نشانه به نشانه قیدی *-ihā* در فارسی میانه بازمی‌گردند. در فارسی دری کهن پایانه جمع -ها در رقابت با نشانه جمع -ان است. در فارسی میانه *-ān* در اصل یگانه پایانه معمول جمع بوده است، سپس در جریان تحوّل که در اواخر دوره فارسی میانه شروع شده و اخیراً به پایان رسیده، -ها به تدریج به عنوان نشانه جمع جایگزین -ان شده است. در فارسی دری کهن پراکنندگی

۴. برگرفته از LAZARD, 1987 (پانویس ۳)، صفحه ۱۶۹ به بعد.

۵. از آنجا که این حرف اضافه تنها دو بار در متن‌هایی که تاکنون بررسی شده‌اند به صورت *ihā* نوشته شده (دعوی کهن: P9 «*ihā* / به آنها» و نامه ۵: ۱۵ «*ihā* / به او») و در تمام جاهای دیگر با حرف الف ساده ثبت شده است، احتمالاً به صورت *ā* یا حتی *a* (یا پیش از مصوت، به شکل *ihā* یا *ihā*) تلفظ می‌شده است.

6. Lazard, G. *La Langue des plus anciens monuments de la prose persane*. Paris, 1963: § 152.

(علی‌اشرف صادقی و اکرم‌السادات حاجی‌سیدآقایی نمونه‌های دیگری از این کاربرد را نشان داده‌اند: نک. صادقی، علی‌اشرف و اکرم‌السادات حاجی‌سیدآقایی (۱۳۸۹). «برخی نشانه‌های نادر جمع در زبان فارسی». دستور، ش ۶: ۵۴-۷۶ م)

فارسی را که نیاکانشان به کار می‌بردند رها کردند و به زبانی نوشتند که تقریباً همان فارسی کلاسیک معیار بود.

تحقیق من در متون فارسی یهودی تا به حال عمدتاً متوجه متن‌های فارسی یهودی انگشت‌شماری بوده که تا کنون به چاپ رسیده است.^۱ علاوه بر این، بعضی متن‌های چاپ‌نشده از جنبه قاهره را نیز، که استاد شاکد عجلتاً تصحیح و ترجمه کرده و سخاوتمندانه در اختیار من قرار داده است، بررسی کرده‌ام.^۲ به جز نامه دندان او بلیق، که احتمالاً مورخ نیمه دوم قرن هشتم میلادی است، تمام متن‌های دیگر گویا در قرون یازدهم و دوازدهم میلادی نوشته شده‌اند. تفسیر حزقیال، که با فاصله طولانی‌ترین این متن‌هاست، شامل بیش از ۲۰۰ صفحه است. از بین همه متن‌های دیگر، تنها متن دعوی کهن که شامل ۲۱ صفحه است تفصیلی دارد؛ بیشتر متن‌های دیگر تنها یک یا دو صفحه‌اند.

زبان این متن‌های متنوع به هیچ عنوان یکسان و یکدست نیست. با وجود اینکه بعضی ویژگی‌های زبانی، که فارسی یهودی را به طور کلی از فارسی دری کهن ممتاز می‌کند، در همه آنها وجود دارد، هر متن فارسی یهودی جداگانه نیز از حیث زبان‌شناسانه به شیوه‌ها و درجات گوناگونی با فارسی دری کهن تفاوت دارد.^۳ تنوع زبانی فارسی یهودی، در درون خود و در تقابل با فارسی دری کهن، در زمانی که فارسی هنوز قوام نیافته بود و صورت کلاسیک آن هنوز معیار نشده بود، دقیقاً همان چیزی است که فارسی یهودی را اینچنین برای زبان‌شناسان جذاب می‌سازد. بعضی مشخصه‌های اصلی

1. ASMUSSEN, J. P. "Judaeo-Persica II. The Jewish-Persian Law Report from Ahwāz, A. D. 1020". *Acta Orientalia* XXXIX, 1-2, 1965: pp. 49-60 (مخفف در اینجا: گزارش حقوقی); MACKENZIE, D. N. "An Early Jewish-Persian Argument". *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* XXXI/2, 1968: pp. 249-69 (مخفف در اینجا: دعوی کهن); UTAS, B. "The Jewish-Persian Fragment from Dandān-Uiliq". *Orientalia Suecana* XVII, 1968: pp. 123-36 (مخفف در اینجا: نامه دندان); SHAKED, S. "Fragments of two Karaitic Commentaries on Daniel in Judaeo-Persian". *Irano-Judaica*. Jerusalem, 1982: pp. 304-22 (مخفف در اینجا: تفسیر دانیال ۱ و ۲).

۲. این موارد شامل تفسیری از کتاب حزقیال (مخفف در اینجا: تفسیر حزقیال) و چند نامه خصوصی کوچک‌تر می‌شود که من بر اساس شماره‌گذاری استاد شاکد از آنها یاد کرده‌ام (نامه‌های ۱ تا ۲۳).

۳. در حقیقت فارسی یهودی یکی از گونه‌های فارسی دری کهن است. اما از «فارسی دری کهن» اینجا این معنای محدودتر اراده شده است: فارسی دری کهن نوشته‌شده به دست مسلمانان به خط عربی؛ با این حال از اصطلاح «فارسی اسلامی کهن»، که ممکن است مناسب‌تر هم باشد، پرهیز کرده‌ایم.

کاربردی -ان و -ها به این ترتیب است:^۱

- | | | |
|---------------|------|--|
| فارسی دری کهن | -ان: | • تمام اسم‌های جاندار |
| | | • بعضی اسم‌های بی‌جان (گیاهان، اعضای بدن، دوره‌های زمانی و غیره) |
| | -ها: | • تمام اسم‌های بی‌جان دیگر |

اکنون نگاهی به فارسی یهودی بیندازیم. در دعوی کهن در مجموع حدود ۴۰ صورت جمع وجود دارد. حدود نیمی از آنها با *-ān* ساخته شده‌اند: تقریباً تمام اسم‌های جاندار به‌علاوه واژه‌های «سال» و «سخن» چنین جمع بسته شده‌اند. نیمه دیگر کلمات جمع، که شامل اسم‌های بی‌جان جز کلمه «جانور» می‌شود، با *-ihā* ساخته شده‌اند:

- | | | |
|------------------------|---------------|---|
| فارسی یهودی (دعوی کهن) | <i>-ān</i> : | • تمام اسم‌های جاندار (حدوداً ۱۵ بار)، به‌جز <i>jānwar</i> / جانور (رک، سطور بعد) |
| | | • یک بار <i>sāl</i> / سال، یک بار <i>saxwan</i> / سخن |
| | <i>-ihā</i> : | • تمام اسم‌های بی‌جان دیگر (حدوداً ۲۰ بار) |
| | | • یک بار <i>jānwar</i> / جانور |

صورت‌های جمع، در ده‌صفحه‌ای که من تا الآن به‌عنوان نمونه از تفسیر حزقیال خوانده‌ام، سراسرتر از دعوی کهن است:

- | | | |
|----------------------------|---------------|---|
| فارسی یهودی (تفسیر حزقیال) | <i>-ān</i> : | • تمام اسم‌های جاندار (از جمله یک بار <i>jāndār</i> / جاندار) |
| | <i>-ihā</i> : | • تمام اسم‌های بی‌جان (از جمله یک بار <i>saxwan</i> / سخن) |

این موضوع چه چیزی را نشان می‌دهد؟ در متن دعوی کهن، جاسپاری *-ān* به *(i)hā* - به همان مرحله‌ای رسیده که فارسی دری کهن در آن قرار دارد. در تفسیر حزقیال این جایگزینی گویا حتی یک قدم فراتر رفته و تمام اسم‌های بی‌جان را در بر گرفته است. این تحوّل مشابه و موازی پراکندگی کاربرد *-ān* و *(i)hā* - در فارسی دری کهن و فارسی یهودی، در مقابل این موضوع قرار می‌گیرد که *-ihā* -، که در فارسی یهودی کاربرد

دارد، از حیث آواشناختی محافظه‌کارانه‌تر از *-hā* - است، که در فارسی دری کهن کاربرد دارد، و کفه دیگر ترازو را سنگین می‌کند. برای اینکه تصویر کاملی از این امر داشته باشیم که فارسی یهودی و فارسی دری کهن در قیاس با هم چگونه تحوّل یافته‌اند، بایستی هم صورت و هم کاربرد را در نظر داشته باشیم، که همیشه هم با یکدیگر مطابقت ندارند.

در مورد پسوند اسم مصدر ساز *-išn* - باید گفت که وجودش در فارسی یهودی، نشان می‌دهد که این زبان مطمئناً فقط با فارسی میانه مرتبط است، هرچند در فارسی دری کهن (و در دوره‌های بعدتر) هم کلمات معدودی هستند که با این پسوند ساخته شده باشند.^۲ اما یکی از متون فارسی یهودی، دعوی کهن، دربرگیرنده نمونه‌های متعددی با *-išť* - و چند نمونه معدود با *-iš* - است، در حالی که چند نمونه هم *-išn* - دارد: ۹ بار *(y)št* - (برای مثال *bwzšt* / عذر^۳)، دو بار *(y)š* - (*xwrš* / خورش)، چهار بار *-yšn* (*mwzyšn* / آموزش).

حرف *-t* در *-išť* - مشخصاً یک افزوده ثانویه است که بعد از افتادن *-n* اضافه شده، بنابراین به‌نظر می‌رسد در [زبان نگارنده] این متن، *-išn* - در همان زمان نیز بسیار کم کاربرد شده بوده است. این شاید به این معنی است که *-išn* - در متون متأخرتر فارسی یهودی (مانند تفسیر حزقیال) ادامه مستقیم و همگون *-išn* - فارسی میانه نیست، بلکه فقط خصوصیتی گویشی یا سنتی نوشتاری است.

اکنون درباره ساخت مجهول فارسی یهودی با *-ih* - سخن بگوییم. این ساخت که معادل *-īh* - در فارسی میانه است (برای مثال در متن دعوی کهن: *burr-ih* / بریده شدن، فارسی میانه مانوی *wēn-īh* / دیده شدن) اصلاً در فارسی دری کهن نیست و لذا پیوند مهمی میان فارسی میانه و فارسی یهودی برقرار می‌کند. اما اینجا هم نمی‌توان به راحتی گفت که ساخت مجهول *-īh* - در فارسی میانه به شکل *-ih* - در فارسی یهودی حفظ شده است. در

2. PAPER, H. "Judeo-Persian Deverbatives in *-šn* and *-št*". *Indo-Iranian Journal*, X/I, 1967: p. 57.

۳. نویسنده این کلمه را به *salvation* (= رستگاری) ترجمه کرده است، اما معنی آن در فارسی یهودی همان عذر است و در متن دعوی کهن، در کنار *hujjat*، معنی «گواه» می‌دهد. برای توضیح بیشتر به تعلیقات متن و ویرایش شده دعوی کهن توسط مکنزی رجوع کنید:

MACKENZIE, D. N. "An Early Jewish-Persian Argument". *BSOAS* 31, 1968: p. 253. (م)

1. LAZARD, loc. cit: § 149.

فارسی میانۀ کتیبه‌ای قرن سوم میلادی هنوز یک ساخت ماضی مجهول وجود داشته که از بن مضارع و پسوند **-iya* ساخته می‌شده است (برای مثال: *abzāyī* / افزوده شد). اما این ساخت دقیقاً همانند ماضی مطلق ساخته شده از بن ماضی به کار می‌رفته است. از آنجا که در زمان‌های ماضی، جمله‌های گذرا به شکل کنایی ساخته می‌شده‌اند، تمایز میان معلوم و مجهول در فارسی میانۀ اساساً در اصل وجود نداشته است، چنانکه در دو عبارت مشابه به فارسی میانۀ کتیبه‌ای می‌بینیم:

KKZ (§3) was kerdegān ī yazdān *abzāyī* [ماضی مجهول] ud was ādur ī Wahrām *nišānī* [ماضی مجهول] ud was... pādixšīr *āwišt* [ماضی مطلق]

برای ترجمه نک. پایین تر

KKZ (§7) was kerdagān ī yazdān *abzāyī* [ماضی مجهول] ud was ādur ī Wahrām *nišāst* [ماضی مطلق^۲] ud was... pādixšīr *āwāšt* [ماضی مجهول]

آیین‌های دینی بسیار افزوده شد و آتش‌های بهرام زیادی برپا شد و بسیار... پیمان‌ها بسته شد.

از این ساخت ماضی مجهول در فارسی میانۀ مانوی^۳ (یا در فارسی یهودی) شاهدی نیست، و بنابراین آن را باید یک ویژگی آرکائیک یا گویشی در فارسی میانۀ کتیبه‌ای به شمار آورد. در فارسی میانۀ مانوی، ساخت مجهول با *-īh* وجود دارد، اما ساخت مجهول دیگری هم در این زبان هست که به صورت تحلیلی با فعل کمکی «بودن» ساخته می‌شود (برای مثال *paymōz-īh-ēd ~ paymōxt bawēd* / او جامه به تن کرده است). از آنجا که ساخت ماضی مطلق عادی، در صورتی که بدون

۱. مطابق تصحیح و توضیحات مکنزی در:

HERRMANN, Goergina & D. N. MACKENZIE. *Iranische Denkmäler*, Lieferung 13, Reihe II, *Iranische Felsreliefs I*, The Sasanian Rock Reliefs at Naqsh-e Rostam 6, The Triumph of Shapur I.

۲. صورت‌هایی مانند *nišāst* بهتر است از حیث تمایز میان معلوم و مجهول، از نظر صرفی (ساختوازی) «خنثی» نامیده شوند. ساخت مجهول *ādur nišāst* «آتش‌ها بر پا شدند» را می‌توان به واسطه یک عامل مصرح در جمله، مانند *m-ādur* (در معنای تحت‌اللفظی «توسط من») به یک ساخت معلوم تبدیل کرد: *u-m ādur nišāsti* / و من آتش‌ها را بر پا کردم.

۳. به جز نمونه منفرد *kirīh* / کرده شدن که در آن صورت کهن **krya* با پسوند *-īh* در هم آمیخته شده است. یک صورت مرتبط یک بار در فارسی میانۀ کتیبه‌ای به شکل **kylyd* / [akirī] / کرده شد ثبت شده است، اما بدون *-īh* و با افزونه ماضی ساز [augment] کهن.

عامل به کار برده شود، می‌تواند کارکرد فعل مجهول را داشته باشد (نک. بالاتر)، طبیعی است که این ساخت‌های مجهول ساخت‌واژی بیشتر در زمان مضارع به کار بروند.^۴ تعداد ساخت‌های با *-īh* حدوداً دو برابر ساخت‌های با فعل کمکی است.^۵ این دو روش ساخت جهت مجهول ظاهراً به یک معنا به کار می‌رفته‌اند و هنوز معلوم نیست که آیا پراکنده‌گیشان قاعده‌مند است یا خیر.^۶

در فارسی یهودی، در بعضی متن‌ها مانند ترجمه‌ها یا تفسیرهایی چون تفسیر حزقیال و تفسیر دانیال که به «سبکی فنی» نوشته شده‌اند، ساخت مجهول با *-īh* مکرر است و در متن‌های دیگر مانند دعوی کهن که «سبکی آزاد» دارند این ساخت نادر است.^۷ اگر آنچه را که در مورد *-īh* در فارسی میانۀ گفته شد به یاد داشته باشیم، روشن می‌شود که ساخت مجهول *-īh* در فارسی یهودی ادامه‌دهنده *-īh* در فارسی میانۀ است؛ اما سؤال این است که چگونه این اتفاق افتاده است. چگونه جایگاه و عملکرد ساخت مجهول با *-īh* در دستگاه فعلی از فارسی میانۀ به فارسی یهودی تغییر یافته است؟

نقدمن بر ویژگی‌های مشترک فارسی میانۀ و فارسی یهودی نباید اشتباه فهمیده شود. این ویژگی‌ها قطعاً برای تعیین جایگاه

۴. چند نمونه بسیار معدود ساخت ماضی ساده مجهول با *-īh-ist* نیز وجود دارد.
۵. مقایسه کنید با فهرست ساخت‌های فعلی در:

HENNING, W. B. "Das Verbum des Mittelpersischen der Turfanfragmente". *Zeitschrift für Indologie und Iranistik* 9, 1993: § 14 (-īh-), § 26 and § 30 b (auxiliary).

۶. شواهد ساخت‌های با *-īh* گویا بیشتر در متون متأخر یافت می‌شود، به‌طور مثال در متن‌های *h, aq* و *ar* از این کتاب:

BOYCE, Mary (1975). *A Reader in Manichaean Middle Persian and Parthian* (Acta Iranica 9). Leiden: Brill.

در آغاز متن *st' yhyd dyn ywjdhr* 'wd 'st' ywd 'stwd'، دو ساخت مجهول، یکی ماضی و دیگری مضارع، وجود دارد: «ستوده بود و ستوده است دین مقدس». در بافتی کاملاً یکسان (Boyce, Reader, cu, § 41) هنینگ در ویرایش خود که پیش از ویرایش بویس چاپ شده بود *bw'y* را در متن نهاده بود: *st' yhyd dyn ywjdhr* 'wd 'st' yh' y' c' dyn ywjdhr / از ملت مقدس ستوده باشی و ستوده شوی (Ein Manichäisches Bet- und Beichtbuch, Abhandlungen der Preussischen Akademie der Wissenschaften, 1936, p. 31). من ترجیح می‌دهم که این مورد را، با فرض کردن یک **hy* (که با توجه به ساختار قالبی عبارت احتمالاً در جمله وجود داشته و بعداً افتاده) بعد از *stwd*، نه یک ساخت مضارع مجهول دوگانه دارای حشو، بلکه با توجه به جمله منقول از متن c، باهم آیی ماضی اخباری و مضارع التزامی (به‌مثابه آینده) در نظر بگیریم: *'stwd (*hy) 'wd 'st' yh' y* / تو ستوده‌ای و ستوده باشی (=خواهی بود).

۷. حدود ۶ بار در متن چهارصفحه‌ای تفسیر دانیال^۲، اما تنها دو بار در متن ۲۱ صفحه‌ای دعوی کهن.

معنی «روح» می دهد شده است. برای مثال نمونه‌هایی از متنی از سده یازدهم میلادی / پنجم هجری را می بینیم:^۵

سیاست‌نامه (۴۴.۱۳) مزدک با خویشتن اندیشید

سیاست‌نامه (۴۴.۱۸) به خانه‌های خویش شدند

در متون متأخر فارسی میانه زرتشتی متعلق به قرون هشتم و نهم میلادی / دوم هجری نیز همچنین است:

کارنامه اردشیر بابکان (۴۰،۲۴)^۶ *xwēštan ud ayārān ranjag ma dārēd* - خویشتن و یاران[تان] را رنجه مدارید^۷

کارنامه اردشیر بابکان (۳۰،۱۰) *harw kē az xwadāy ī xwēš be wirēzēd* - هر کس که از سرور خویشتن بگریزد

بعدتر در فارسی کلاسیک، نشانه انعکاسی *xwad* یا سپس‌تر *xod* به تدریج جایگزین تمام نشانه‌های انعکاسی دیگر مانند *xwēš* یا *xwēštan* شده است، تحوّل که از فارسی دری کهن شروع شده و در اواخر دوره کلاسیک، بعد از حافظ، به پایان رسیده است. برای به دست آوردن تصوّر از این تحوّل، به نمودار ساده‌شده زیر بنگرید:

ضمیر ملکی	متّم فعلی	
<i>xwēš</i>	<i>xwēš grīw/ ruwān</i>	فارسی میانه
<i>xwēš</i>	<i>tan-i xwēš, xwēštan, (xwēš)</i>	فارسی دری کهن
<i>xwēš, xwad</i>	<i>xwēštan, xwad</i>	فارسی کلاسیک
<i>xod</i>	<i>xod</i>	فارسی قرن بیستم

۵. نقل قول با ذکر شماره فصل و بند از تصحیح دارک:

- نظام الملک، ابوعلی حسن طوسی (۱۳۴۷). سیرالملوک (سیاست‌نامه). به اهتمام هیوبرت دارک. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

در اوستایی *-tanū* / بدن می تواند به صورت انعکاسی به کار رود، نک:

REICHEL, H. *Avestisches Elementarbuch*. Heidelberg, 1909: p. 292.

۶. از تصحیح آنتیا:

ANTIA, E. K. *Kārnāmak-i Artakshīr Pāpakān*. Bombay, 1990.

۷. گاه یک مفعول مستقیم انعکاسی می تواند همانند فارسی دری کهن به صورت *tan ī xwēš* یا به تنهایی *xwēš* نیز بیان شود:

کارنامه اردشیر بابکان (۱۲.۱۷) *paristišn ī ōy be*

abespārīh - تن خویش به تمامی به پرستش او بسیاری

کارنامه اردشیر بابکان (۱۶.۳) *xwēš az ēn ranj ī āwām āsān kardan* - (باید) خویش را از رنج زمانه رها ساختن

فارسی یهودی مهمّند و احتمالاً در آینده هم چنین خواهد بود. مشکل این است که بدون یک دستور زبان جامع فارسی یهودی (و فارسی میانه) نمی توانیم ارزش حقیقی این ویژگی‌ها را در دستگاه زبانی و همچنین در تحوّل فارسی میانه به فارسی دری دریابیم. اکنون می خواهیم این موضوع را از طریق ویژگی زبانی دیگری نشان دهیم که تا به حال بررسی نشده است.

شیوه بیان ویژگی انعکاسی از فارسی میانه به فارسی کلاسیک دستخوش تغییرات قابل توجهی شده است. متّم‌های فعلی انعکاسی در فارسی میانه توسط یک اسم، به معنی «روح»، در ترکیب با ضمیر ملکی انعکاسی *xwēš* بیان می شوند:^۱

فارسی میانه مانوی (dl:4)^۲ *to.xwēš grīw dān* - خویش (تحت اللفظی: روح خود) را بشناس

فارسی میانه مانوی (h:6) *az nūn parrōn xwēš grīw dēndār mā xwān* - من بعد خویش را دیندار مخوان

فارسی میانه کتیبه‌ای (KKZ, §36)^۳ *pad xwēš-iz ruwān rāddar ... būd hēm* - به خویش نیز رادتر شدم

فارسی میانه مزامیری^۴ *-bē-m narm kard grīw* (CWLE) - من خویش را رام ساختم

در فارسی میانه، *xwēš* در صورتی به تنهایی به کار رفته است که بخش انعکاسی جمله نه متّم فعلی (یعنی مفعول مستقیم یا غیرمستقیم)، که نشانه مالکیت باشد.

فارسی میانه مانوی (z:1) *dēnwar kē xwēš dēn nē wurrawād* - دینداری که به دین خویش اعتقاد ندارد

فارسی میانه کتیبه‌ای (KKZ, §38) *- u-m was xwēš nām... nibišt ēstēd* - و من بارها نام خویش را نوشته‌ام

در فارسی دری کهن ضمیر ملکی انعکاسی یا مشترک *xwēš* کماکان وجود دارد، ولی واژه «تن» جایگزین واژه‌هایی که

۱. استفاده از واژه‌ای در معنای «روح» یا دیگر اعضای بدن برای بیان ویژگی انعکاسی در زبان‌های مختلف جهان سابقه دارد. برای مثال در عربی *nafs* / نفس یا در عبری جدید *'ešem* / استخوان. در بعضی موارد، *xwēš grīw* فارسی میانه را می توان تحت اللفظی هم معنا کرد، یعنی «روح خویش»، اما به نظر من این مسئله در مورد مثال‌هایی که پس از این می آید صدق نمی کند.

۲. مطابق کتاب بویس (رک. پانویس ۶ صفحه قبل).

۳. مطابق تصحیح مکنزی (رک. پانویس ۱ صفحه قبل).

4. ANDREAS, F. C. and K. BARR (eds.). *Bruchstücke einer Pahlevi-Übersetzung der Psalmen*. Berlin, 1993: p. 109.

برای نگاهی جزئی‌تر به تحوّل ضمیر ملکی انعکاسی (یا ضمیر مشترک) از فارسی دری کهن به فارسی کلاسیک، موارد کاربرد «خویش» و «خود» را (تنهادر کاربرد ملکی) در چند بخش گزیده از شاهنامه، هفت پیکر نظامی و بوستان سعدی شمرده‌ام:

نسبت «خویش» به «خود» در کاربرد ضمیر ملکی	
شاهنامه (قرن ۱۰ و ۱۱/م ۴ و ۵ق)	۳۰۵ به ۱
هفت پیکر (قرن ۱۲/م ۶ق)	۲۰۵ به ۱
بوستان (قرن ۱۳/م ۷ق)	۲ به ۱

اینگونه روشن می‌شود که در قرن ۱۳/م ۷ق کاربرد «خویش» کماکان دو برابر «خود» بوده است. این ارقام نشان می‌دهد که این تحوّل چقدر آرام و منظم رخ داده است.^۱ البته شکی نیست که اکثر تغییرات زبانی تدریجی اند. معمولاً قرن‌ها طول می‌کشد که یک الگوی دستوری به‌طور کامل تغییر کند یا یک مقوله دستوری جدید به وجود آید. تغییر از یک قدم به قدم دیگر چندان مشهود نیست، اما می‌توان آن را از طریق ملاحظه تغییر بسامد بعضی کلمات یا شناسه‌ها سنجید.

در فارسی یهودی، متمم فعلی انعکاسی اصولاً *xwēštan* است. اما در دعوی کهن *xwēš* جایگزین حدوداً نیمی از *xwēštan* ها شده است^۲ (ولی در متن‌های کهن دیگر چنین نیست):

G.4: دعوی کهن: *p' kwyštm 'ndyšydwm*
- [pa xwēštan andēšīdum]

با خویشان اندیشیدم

G.5: دعوی کهن: *'b' kwyš 'wsk'rdwm*
- [abā xwēš uskārdum]

با خویش سگالیدم

تفسیر حزقیال: 2.5 *kwyštm r' hmy pwšyd*
- [xwēštan rā hamē pōšīd]

خویشان را همی پوشید

نامه ۱۸: 15 *'b'z kyštm hmy brwm*
- [abāz xēštan hamē barum]

با خویشان می‌برم [ش]

مثال آخر به‌خاطر نشانه انعکاسی *xēštan* قابل توجه است.

۱. منظور این نیست که این ارقام با دقت ریاضی تحوّل یافته‌اند. به‌طور مثال در فصل ۴۴ سیاست‌نامه (ص ۲۵۷-۲۷۸) سیزده نمونه *xwēš* در کاربرد ضمیر ملکی وجود دارد، ولی حتی یک نمونه *xwad* در این کاربرد نیست. ممکن است کلمات «کم‌کاربردتر» در متون منظوم، به‌علل شعری، نسبت به متون منثوری چون سیاست‌نامه بیشتر به کار رفته باشد.

۲. در دعوی کهن: دو بار *xwēštan*، دو بار *xwēš*.

چنان انگاشته شده که *xw* در زبان فارسی در قرن چهاردهم/هشتم خاصیت ثانویه لبی خود را از دست داده است.^۳ درست است که به نظر می‌رسد نامه ۱۸، به‌علت کاربرد نسبتاً پرشمار وام‌واژه‌های عربی، متأخر است، اما با این حال بعضی مشخصه‌های اصلی فارسی یهودی را نیز نشان می‌دهد. به‌طور مثال حرف اضافه‌های *'zmr* برای، *pyš* / پیش، *p'* / به‌جهت و حتی *'b'z* / با. این مسأله باز این پرسش اساسی را پیش می‌آورد - پرسشی که فعلاً نمی‌توان بدان پاسخ داد - که «آیا باید بعضی مشخصه‌های فارسی دری کهن^۴ را گویشی بدانیم یا تاریخی؟».

ضمیر ملکی انعکاسی، در متن دعوی کهن، اغلب *xwēš* است، هرچند از این متن کاربرد *xwad* هم آغاز شده است. اما در تفسیر حزقیال و متن‌های دیگر، و همچنین چند مورد محدود در دعوی کهن، ضمیر ملکی انعکاسی نه اینچنین، که با ضمیر شخصی عادی بیان می‌شود:

B.9: دعوی کهن: *k'r ykwyš d'nd šwdn*
- [u kār i-xwēš dānad šudan]

به کار خویش داند شدن

C.6: دعوی کهن: *rh 'pr'z yk'r ykwd d'nd*
[rah afrāz i-kār i-xwad dānad]

- راه به‌سوی کار خود داند

(اما ضمیر شخصی:)

تفسیر حزقیال: 1.19 *hr yky 'b' hmb'z 'w r'st...*
bwdnd [har yakē abā ham-

- bāz-i ō rāst būdand]

هر یکی با همباز خود (لفظاً: او) راست بودند

تفسیر دانیال: 3.8 *t' yšr'ln cw b yprhyng's n*
kwrynd [tā yišrā'ilān čōb

- i-fraheng-išān be xwarend]

تابنی اسرائیل چوب ادیشان را بخورند (تأدیب شوند)

S.6: دعوی کهن: *by bwryd bšr' y'wrl' t'n*
- [be burred bašrā i-'urla tān]

گوشت حشفه‌تان را ببرید

3. PISOWICZ, Andrzej. *Origins of the New and Middle Persian Phonological Systems*. Kraków, 1985: p. 122.

۴. احتمالاً منظور مؤلف «فارسی یهودی» است. (م)

۵. ضمیر ملکی انعکاسی در دعوی کهن: ۷ بار *xwēš*، یک بار *xwad*.

هرچند در بعضی موارد این محافظه‌کاری را کمتر نشان می‌دهد. در هر حال روشن است که با در نظر گرفتن مشخصه بیان انعکاسی - چه از حیث صورت و چه کاربرد - نمی‌توان به راحتی گفت که فارسی یهودی میان فارسی میانه و فارسی دری کهن قرار دارد.

حال که در انتهای مقاله هستیم، بعضی نکات مهم را تکرار می‌کنیم. هرچند این فرضیه که فارسی یهودی یک مرحله میانی بین فارسی میانه و فارسی دری نو است، از حیث بعضی مشخصه‌های منفرد دستوری درست است، اما بررسی دقیق‌تر این مشخصه‌ها معلوم می‌کند که این فرضیه نیازمند بعضی ملاحظات است، و ممکن است «کمتر درست» یا به معنی دیگری جز آنچه اکنون به نظر می‌رسد، درست باشد. به لحاظ روش، مقایسه و ویژگی‌های دستوری منفرد تنها تصویری کلی و نادقیق از موضوع به دست می‌دهد. باید به کلیت بافت دستوری‌ای که این مشخصه‌ها در آن به چشم می‌خورد نگرست (چه از حیث صورت و چه کاربرد). آنچه واقعاً برای ارزیابی بیشتر این فرضیه لازم است، در وهله اول، یک دستور زبان جامع فارسی یهودی است که تمام متن‌های موجود در آن بررسی شده باشد و در آن، توصیف دستوری هر متن در یک تصویر منظم و به هم پیوسته گنجانده شده باشد. سپس یک دستور تاریخی فارسی دری کهن ضروریست، دستوری که تحول فارسی دری کهن به فارسی کلاسیک را گام به گام توصیف کند. اینگونه می‌توان چارچوبی استوار برای تعیین دقیق‌تر جایگاه فارسی یهودی از حیث زبان‌شناسی تاریخی داشت.

wk'r t'n by bz'ryd

- [u-kār tān be buzārēd¹]

و کارتان را بگزاید

نامه ۳: 38

از دیدگاه رده‌شناسی زبانی تقریباً عجیب است که در گونه‌ای واحد از یک زبان، یک نشانه اسمی ثابت، همچون *xwēštan*، برای متمم فعلی انعکاسی وجود داشته باشد، اما نشانه‌ای برای ضمیر ملکی انعکاسی نه.^۲ این موضوع را می‌توان تا حدی از طریق تأثیر زبان عبری تبیین کرد: در عبری بیان معنای انعکاسی ملکی نشانه‌ای نداشته است و ندارد. هرچند این توضیح در مورد متن‌های فارسی یهودی مترجم از تورات بی‌اشکال است، ولی شکی باقی می‌گذارد: آیا تأثیر نحو عبری چنان پیش رفته است که اجازه ندهد حتی یک مورد ضمیر ملکی *xwēš* در کل متن‌های فارسی یهودی وجود داشته باشد؟ این مسأله می‌تواند این سؤال را به وجود آورد که «آیا قوانین صریحی برای نوشته‌های عقیدتی فارسی یهودی در آن زمان وجود داشته یا خیر؟»، چیزی شبیه یک سبک تصنعی عبری مآبانه.^۳

با مقایسه شواهد بیان معنای انعکاس در فارسی یهودی با فارسی دری کهن، چنین به نظر می‌رسد که متن دعوی کهن نه به قدیم‌ترین نمونه‌های فارسی دری قرن ۱۰ م/ ۴ ق، که به نمونه‌های اواخر قرن ۱۱ م/ ۵ ق یا قرن ۱۲ م/ ۶ ق شبیه است.^۴ از حیث کاربرد نشانه جمع *-ihā*، زبان تفسیر حزقیال همگون‌تر و قدری محافظه‌کارتر از زبان دعوی کهن است،

۱. ظاهرأ: bizārēd. (م)

۲. با مقایسه نحوه بیان ویژگی انعکاسی در زبان‌های مختلف ایرانی و غیرایرانی، ارتباط منظمی میان نشانه انعکاسی غیرمتغیر برای مفعول مستقیم و نشان‌دار کردن اجباری ویژگی انعکاسی برای متمم‌های ملکی معلوم می‌شود (مانند «خویشتن» و «خویش» در فارسی دری کهن). از سوی دیگر، بیان متغیر مفعول مستقیم انعکاسی معمولاً به این معناست که ویژگی انعکاسی در متمم‌های ملکی انعکاسی لزوماً نباید نشان‌دار باشد (مثلاً مفعول مستقیم: خودم، خودت، و غیره، اما متمم ملکی: تم، ت، و... در فارسی معاصر). این آن مسأله‌ایست که من در مقاله آینده‌ام تلاش می‌کنم نشان دهم. در مورد ویژگی انعکاسی همچنین نک:

FALTZ, Leonard M. *Reflexivisation: A Study in Universal Syntax*. Ann Arbor, 1979.

۳. این موضوع مشهور است که ترجمه‌های فارسی یهودی کتاب مقدس عموماً «مطیع متن اصلی» و غیردستوری‌اند. لازار در مقاله خود به خطای مشابهی در اسفار خمسه و اتیکان - لندن، که به فارسی یهودی جدید است، اشاره کرده است (ص ۴۹): کاربرد *dast-e ōy* به جای *dast-e xod*. برای مقاله لازار نک:

“Remarques sur le style des anciennes traductions persanes du coran et de la bible”. *Mélanges H. Laoust, pt II. Bulletin d'Études Orientales* 30, Damascus, 1978.

۴. زیرا دعوی کهن *tan-i xwēš* ندارد و در همان زمان شروع به استفاده از *xwad* در بیان معنای انعکاس کرده است.

گزارش